ای ياران اين زندانی نامه‌ای به نظر گذشت نام‌های مبارک دوستان مرقوم بود.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٤٧٦

ای ياران اين زندانی نامه‌ای به نظر گذشت نام‌های مبارک دوستان مرقوم بود. از تلاوت نهايت بشارت حاصل گرديد زيرا دليل جليل بر عبوديّت آستان الهی بود که الحمد للّه آن نفوس مقدّسه در ظلّ شجره مبارکه در نهايت محبّت و الفت با يکديگر محشورند و مستفيض از فيض جليل موفور. ياران الهی هرچند از يکديگر به تن دور و مهجورند ولی به جان در محفل تجلّی نور مألوف و مأنوس. جميع گل‌های يک حديقه‌اند و اشجار يک رياض. امواج يک بحرند و طيور يک اوج. نسائم يک جنّت‌اند و باران رحمت يک سحاب. در اين صورت فرقتی در ميان نه و جدائی مشهود نيست. لهذا به دوستان متفرّق در بلاد يک نامه نگارم و هر يک را به جان و دل مشتاقم و از برای کلّ از فضل و موهبت الهيّه فيض عظيم می‌طلبم و فوز جليل می‌خواهم تا مانند نجوم در سماء موهبت حيّ قيّوم به نهايت درخشندگی تابنده گردند و به شرق و غرب انوار محبّت‌اللّه مبذول دارند.

الهی الهی هؤلاء عباد خرقوا الحجبات و هتکوا السّبحات و شاهدوا الآيات البيّنات المودعة فی حقائق الموجودات و وعدت فی کتابک الکريم و القرآن العظيم سنريهم آياتنا فی الآفاق و فی انفسهم. الهی الهی انر ابصارهم بنور معرفتک و نوّر بصائرهم بشعاع ساطع من شمس موهبتک و اضرم فی قلوبهم نار محبّتک و اشرح صدورهم بنور حکمتک و اجعلهم آيات التّوحيد و انوار التّفريد و کلّ يوم فی شأن جديد حتّی يذکروک فی جنح اللّيالی و الأسحار و ينشرح قلوبهم باکتشاف الرّموز و الأسرار و تقرّ اعينهم بالتّمعّن فی الآثار انّک انت الکريم الرّحيم الغفّار و انّک انت المحبوب المقصود العزيز المختار…